

آخوندزاده، تعبیر خط

کاظم استاد

۴۶۴۴

۵۰۰

۱  
۲۲۲

مسئول

سرشناسه :	استادی، کاظم، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور :	دانشنامه خط فارسی (جلد ۱۵) مؤلف کاظم استادی.
مشخصات نشر :	شامل: ۱. درآمدی فلسفه خط، ۲. خط در ایران (۲، ۱)، ۳. سیر تحول خط عمومی، ۴. نویسه‌گردانی و متون، ۵. آینده جلدانویسی خط فارسی، ۶. تاریخچه تغییر خط، ۷. اعمال اصلاح الفبا و خط، ۸. آخوندزاده و تغییر خط، ۹. ملکم خان و تغییر خط، ۱۰. مکتب اسلام و تغییر خط، ۱۱. حکم فقهی تغییر خط، ۱۲. مجموعه مقالات ۱۳. درآمدی مجموعه مقالات، ۱۴. هولوکاست خط فارسی، ۱۵. کتابشناسی خط فارسی
مشخصات ظاهری :	قیم: مؤلف، ۱۳۹۴.
شابک :	۶۰۰۰ ص (مجموع ۱۵ جلد).
وضعیت فهرست نویسی :	978-600-04-3323-9
یادداشت :	فیبای مختصر
شمار کتابشناسی ملی :	فهرست‌نویسی کامل آثار در نشانی: <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a> قابل دسترسی است
	۲۸۲۴۹۱۲

## دانشنامه خط فارسی

(جلد ۱۵)

اسم کتاب: آخوندزاده و تغییر خط

مؤلف: کاظم مقدم

سبک: ۵- ۷۲- ۴- ۶۰۰۰- ۹۷۸

شابک دور: ۳۳۲۳- ۴- ۶۰۰۰- ۹۷۸

چاپ اول: ۳۹۱

تعداد صفحات: ۲۴

تیراژ: ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی: نویسی

چاپ: سلمان فارسی

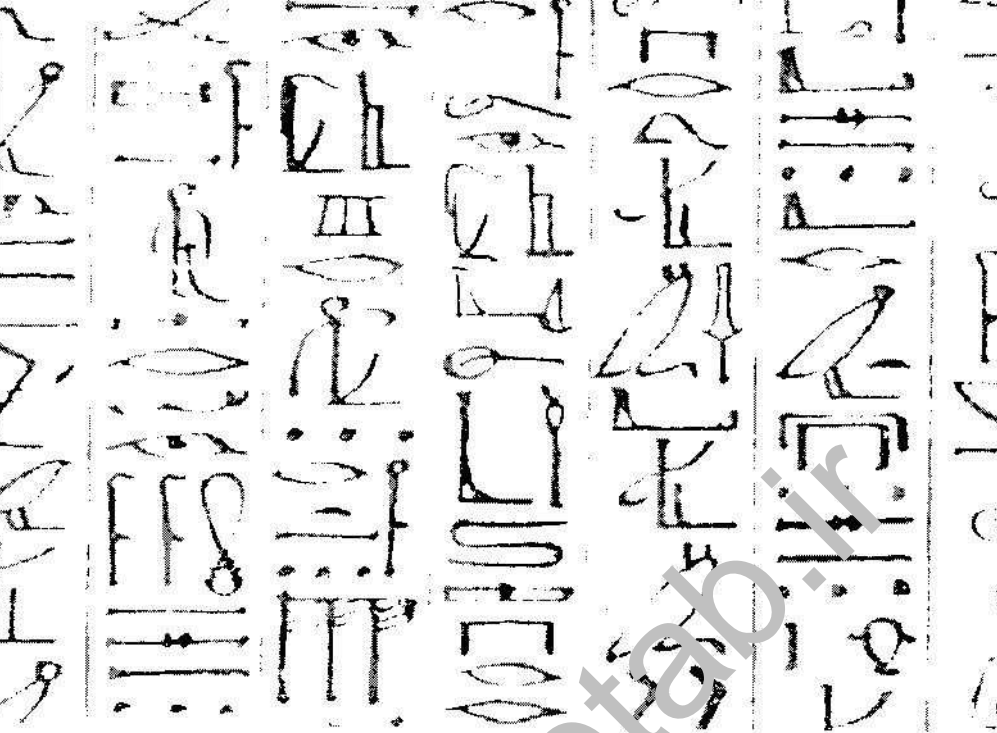
بخش: انتشارات برگزیده، تهران، خیابان ایرانشهر، نبش کلاتری،

پلاک ۲۳۰، طبقه ششم شمالی - تلفن: ۵- ۲۸۳- ۸۸۴۹۰

قم، خیابان شهداء، کوچه ۲۳، پلاک ۱۶ - تلفن: ۳۷۷۴۴۱۲۵

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است.

قیمت دوره: ۳۵۰ هزار تومان



فهرست مطالب

مقدمه / ۷

بیوغرافی میرزا فتحعلی آخوندزاده / ۲۲

گاهشمار شمسی فعالیت زندگی او پیرامون تغییر خط / ۳۹

معرفی آثار آخوندزاده / ۵۱

نسخه‌های خطی آخوندزاده پیرامون خط در ایران / ۵۲

نامه‌ها و رساله‌های آخوندزاده به ترتیب تاریخی / ۵۵

رسم جدید میرزا فتحعلی آخوندزاده در خط اسلام / ۵۶

تحقیق در خط اسلام / ۷۱

نامه به دولت عثمانی پیرامون الف باء جدید / ۷۵

سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه / ۱۰۲

رونوشت بیانیه انجمن علمی عثمانی / ۱۰۴

متن مقاله قرائت شده، توسط منیف افندی / ۱۰۸

رونوشت طغرای سلطان عبدالعزیز خان / ۱۱۱

معروض نامه به وزارت علوم در خصوص خط اسلام / ۱۱۳

- مسوده کاغذ وزیر امور خارجه با نومه ۲ / ۱۲۹
- مسوده کاغذ ملکم خان با نومه ۱۱ / ۱۳۱
- منظومه در خصوص القباى تازه (از آخوندزاده) / ۱۳۵
- نامه به عالی پاشا، صدراعظم عثمانی / ۱۳۸
- نامه به ملکم خان / ۱۴۰
- نامه آخوندزاده به میرزا ملکم خان / ۱۴۲
- کاغذ دوم به ملکم خان / ۱۴۹
- نامه به ملکم خان / ۱۵۱
- نامه به ملکم خان / ۱۵۳
- سر د مکتوب به ملکم خان (از دوّم ایون سنه ۱۸۷۱) / ۱۵۵
- سواد ورقه جداگانه به ملکم خان / ۱۵۹
- سواد ورقه به ملکم خان / ۱۶۲
- مطامع معظم دام الملکم / ۱۶۲
- نامه به ملکم خان / ۱۷
- کاغذ جداگانه / ۱۷۴
- سواد مکتوبی به دو نفر از وزران عثمانیه / ۱۷۵
- نامه به ملکم خان / ۱۸۰
- به ملکم خان / ۱۸۳
- سواد مکتوب دیگر بروج القدس / ۱۸۵
- بسط و تفصیل مطالبی است که از جناب روح القدس در تالیس هنگام عبورش از این بلده بمزیمت طهران شنیده‌ام / ۱۸۷
- بجناب محرر روزنامه حقایق / ۱۹۱
- نامه به احتضاد السلطنه / ۱۹۶
- نامه به صدر العلماء / ۱۹۹
- آخرین لایحه القباى نو / ۲۰۳
- القباى جدید و مکتوبات / ۲۰۹
- منابع و کتابنامه / ۲۲۳



### مقدمه

آخوندزاده آورنده‌ی چند اختراع است. از نخستین ایرانی بود که نمایشنامه به زبان ترکی در سال ۱۲۶۶ ق یعنی چند سال پس از حمله‌ی نمایشنامه‌نویس عثمانی ابراهیم شناس نوشت. کوشش دیر پا و سرسخت او در تغیر الفبای عربی نوآوری دیگری است که امتیازش به او داده شده است.<sup>۱</sup>

آخوند زاده یک سکولاریست تمام عیار و یک هواخواه جدی تمدن باختر زمین بود. آخوندزاده هواخواه جدی تشکیل فراماسونری در ایران بوده. این کار را به خیال خود، از لوازم آزادی و آزادی خواهی می‌دانسته است.<sup>۲</sup>

آخوندزاده در این نمایشنامه‌ها به افشای فریبکارانی که از سادگی و نادانی و طمع مردم سوء استفاده می‌کنند، می‌پردازد و می‌کوشد مردم را به اندیشه و تلاش و

۱. قبل از او منیف پاشا و نیز مسیو بارب خط‌های جدید برای خط عربی تهیه کرده بودند. اما بیگترین شخصی که پیرامون اصلاح الفبا کوشیده است، آخوندزاده می‌باشد. رک. به گاهشمار تغیر خط فارسی، کاظم استادی، بهارستان، بهار ۱۳۹۱.  
۲. الفبای جدید و مکتوبات، حمید محمدزاده، مقدمه.

کسب دانشهای نوین وادارد و از تن‌پروری و آسان‌جویی بازدارد. با خرافات و مدعیان جادوگری و کیمیاگری می‌جنگد؛ شیوه حکمرانی مستبدانه شرقی را نکوهش می‌کند و حکمرانان بی‌اطلاع و بی‌کفایت و وزیران و مشاوران نادان و طماع و چاپلوس را که در برابر شاهان و امیران ضعف نشان می‌دهند و به هر پستی تن می‌سپارند، اما نسبت به زیردستان تکبر می‌ورزند، به استهزا می‌گیرد و به آنان می‌ازد.

په‌ره ناخوشایند زندگی روستاییان را، در برابر زورگویی دولتیان و بیدادگری متصدبان دادگتری و بی‌اعتنایی قاضیان به حق و عدالت به تصویر می‌کشد. در جای جای این مایشنامه‌ها اشاراتی هم به حقوق زنان و مقام اجتماعی و استقلال آنان دارد.

نوشته‌های فلسفی و عموماً حاوی طنزی گزنده است. در حقیقت، اعتقاد راسخ او که از جمله در نامه‌های خطاب به «رزا محمدجعفر قراچه‌داغی بیان داشته، این است که موعظه و اندرز نتیجه ندرت انتقاد و اینها کارسازتر است.

آخوندزاده، به زبان‌های شرقی آشنا و با فرهنگ جهان نیز نسبتاً آشنا بود، وی معتقد بود که الفبای مرسوم و متداول فارسی - عربی، نقایص و معایبی دارد، و در صدد برآمد که این الفبا را اصلاح و آن را برای احتیاجات مردم و آموزش سریع‌تر، مناسب سازد.

فتحعلی در صفر ۱۲۷۴ق/ اکتبر ۱۸۵۷م رساله خود را زیر عنوان الفبای جدید برای تحریرات السنه اسلامیّه منتشر ساخت. در الفبای جدید بعضی حلقه‌های حروف حذف شده و حرکات ۳ گانه داخل حروف گشته است و حروف متصل به یکدیگر نوشته می‌شود.

البته ۱۵۰ سال پیش از آن، بطرکیب در روسیه در خط کهن آن سرزمین دگرگونی‌هایی وارد ساخت و به رغم مخالفت کشیشان و اشراف کار خود را پیش

بود. پیش از آن نیز در جهان اسلام برخی کسان دربارهٔ دشواریهای خط عربی سخنانی گفته بودند.<sup>۱</sup>

در همین دوران، مسیو بارب، ناظر مدرسه السنه شرقیه وین خطی برای خط اسلام، اختراع نمود. و چند کتاب فارسی و عربی را به همان خط در وین منتشر کرد. منیف‌افندی<sup>۲</sup> یا همان منیف پاشا وزیر دولت عثمانی، نیز در سال ۱۲۳۹ شمسی رساله‌ای دربارهٔ تغییر خط نوشت و دو سال بعد، یعنی در ۱۳ ذی‌قعدة ۱۲۷۸، خطابه‌ای دربارهٔ ضرورت اصلاح الفبا در «جمعیت علمیه عثمانیه» ایراد کرد؛ که خود منشأ آشنایی و ایباط میرزافتحعلی آخوندزاده شد.<sup>۳</sup>

میرزا حسین خان مشیرالدوله از دوران خدمتش در تفلیس با فتحعلی دوستی داشت و در این زمان وزیر ممالک ایران در استانبول بود، به میرزا فتحعلی رساند که در عثمانی زمینه مناسبی برای اجرای اصلاح او پدید آمده است. فتحعلی در اواخر ۱۲۷۹ق/۱۸۶۳م. اجازه گراندد میکائیل، شاهزادهٔ روس و حکمران قفقاز، و به هزینهٔ دولت روس به استانبول شتافت.<sup>۴</sup> در سفارتخانهٔ ایران منزل گزید و با معرفی سفیر روسیه در استانبول، رسالت الفبای جدید را به فؤاد پاشا صدراعظم عثمانی نشان داد.<sup>۵</sup>

۱. رک. به تاریخچه تغییر خط. کاظم اسنادی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم ۱۳۹۱.
۲. محمدطاهر منیف افندی، که بعدها عنوان پاشا یافت، مجموعه قانون را که در سال ۱۲۳۹ شمسی در وین منتشر گردید، در استانبول به چاپ رساند. انتشار میداد و در فاصله سالهای ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۳ و ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ سفیر عثمانی در تهران شد. وی در رشته‌های فیزیک، فلسفه و حقوق در برلین تحصیل کرده و دارای تألیفاتی در زمینه حقوق و اقتصاد بود و چندین بار به وزارت‌های معارف و تجارت رسیده بود. او در تاریخ افکار جدید عثمانی اهمیت بسیاری دارد.
۳. رک. به تاریخچه تغییر خط، کاظم اسنادی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم ۱۳۹۱.
۴. میکائیل حسن اوغلی، نویسندهٔ کتاب زیر عنوان آخوند اوف، (مسکو، ۱۹۵۹م) معتقد است که دولت روس و ژنرال ورنسوف، فرمانده نیروهای قفقاز، با چنین نقشه‌ای موافق نبوده‌اند و سفر فتحعلی به استانبول نیز موجب سردی مناسبات او با دولت روسیه شده است (آدمیت، ۸۶).
۵. در نامه‌های متعدد از آخوندزاده به این مطلب اشاره شده است. همچنین در بیوگرافی خودنوشت او برای اطلاع بیشتر به صفحات مختلف کتاب الفبای جدید و مکتوبات مراجعه نمایید.

رسالة الفبای جدید به فرمان صدراعظم در جمعیت علمیه عثمانیه به بررسی نهاده شد و اگرچه مایه تحسین گشت، اما گفته شد که در کوتاه مدت قابل اجرا نیست و باید به تدریج و طی مدتی نسبتاً دراز به آن کار پرداخته شود. به پاداش کوششی که فتحعلی در راه مقصد اصلاح خط کرده بود، دولت عثمانی با صدور فرمانی، نشان «مجیدیه» به او داد.

در این میان، کار میرزا فتحعلی با میرزا حسین خان مشیرالدوله به اختلاف کشید. میرزا فتحعلی نسخه‌هایی از نمایشنامه خود را میان عده‌ای از مردان دانش و سیاست عثمانی توزیع کرده بود.

فتحعلی در این نمایشنامه‌ها از شیوه رفتار هیأت حاکمه ایران با مردم انتقاد کرده بود. میرزا حسین خان به تازگی به وزیر مختار ایران که بعداً از این کار مطلع می‌شود، آن را نپسندید. و با وی کدورت یافت.

وقتی آخوندزاده به تفریس برگشت، در نامه پراکنی‌هایی که داشت حدود نه نامه بی‌جواب نیز به میرزا حسین خان نوشت و از برخورد و بی‌اعتنایی وی ناراحت می‌شود. طی نامه‌ای برای خود میرزا حسین خان، به دلخوشی او از خود اشاره می‌کرد و می‌کوشید وی را با خود بر سر مهر و محبت ورزید.

شاید به همین دلیل بعدها ناکامی خود را در پیشبرد کار اصلاح خط در عثمانی به حساب میرزا حسین خان گذاشت و دعوی کرد که مایه تفریب از همان زمان که کنسول ایران در تفریس بوده، با او «در باطن عداوت شدید داشته است» و او را نزد

۱. فریدون آدمیت می‌نویسد: میرزا حسین خان به عنوان وزیر مختار ایران این کار را نپسندید و فتحعلی نیز کار خود را درست می‌شمرد و چون هیچ‌یک از عقیده خود دست بر نمی‌داشتند، فتحعلی به اعتراض سفارتخانه را ترک گفت و مدتی در جای دیگری سکونت گزید. (آدمیت، ۱۹۱). این مطلب به نظر می‌رسد صحیح نباشد؛ چرا که از نامه‌های متعددی که آخوندزاده به وی نوشته بر می‌آید، تا زمان خداحافظی، آنها به دلیلی که فریدون آدمیت گفته است، مشکلی باهم نداشته‌اند، و بعدها حسین خان با او کدورت یافته. هرچند که عاقبت سفیر ایران او را متهم نمود رک. به مکتوبات آخوندزاده، ص



وزیران عثمانی «بدخواه دین و دولت اسلام» معرفی کرده است.<sup>۱</sup> در نامه‌هایی نیز که بعدها برای ملکم نوشت، به میرزا حسین خان دشنامهایی زشت داد و او را بی‌دانش خواند.<sup>۲</sup>

او این رساله را در ربیع‌الثانی همان سال توسط میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) که در آن تاریخ کنسول ایران در تغلیس بود، برای میرزا سعید خان مؤتمن، حاکم انصاری، وزیر خارجه ایران، فرستاد و از اولیای دولت خواست طرح او را بررسی کنند. از برخی رجال متنفذ کشور نیز برای انجام مقصود خود یاری خواست، اما کسی به طرح او اعتنا نکرد و فتحعلی هر چه تلاش به خرج داد، نتیجه‌ای نگرفت.

آخوندزاده در راهی که برایش گرفته بود، با سختی‌ها و دشواری‌های فراوان رو به رو شد، اما هرگز از پای نماند. او صدها نامه و رساله‌ای که به رجال دولت‌های ایران و عثمانی و روس و به برخی استادان خود<sup>۳</sup> فرستاد از نقص الفبای عربی و اشکالاتی که این خط در تدریس و تحصیل علوم فراهم می‌کند، سخن گفت و ضرورت تغییر آن را با دلایل و مثال‌ها و شواهد بیان کرد. حتی او احتمالاً برای جلوگیری از برخی فاش شدن او راضی بود که خط قدیم در کنار خط جدید علوم باقی بماند.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک. به: الفبای جدید و مکتوبات، صفحات مختلف و نیز ۳۵۳.
۲. در نامه‌های متعدد از آخوندزاده به این مطلب اشاره شده است. ر.ک. به صفحات ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰.
۳. به نامه‌های سال ۱۲۴۹ ش و ۱۲۵۰ ش آخوندزاده به میرزا ملکم خان مراجعه کنید.
۴. مانند: میرزا ملکم خان، علی خان، جلال‌الدین میرزا، مانکچی (نویسنده ی هندی) و پروفیسور کاظم بیگ.
۵. او در نامه‌ای نوشت: «پیشنهاد میکنم که مجلسی برپا شود و تصمیم بگیرند که خط قدیم به جهت قرآن شریف و به جهت کتب فقهیه و جمیع علوم دینیه، هرگز تغییر نیابد و علمای روحانیه ما همیشه علوم خود را در این خط قدیم یاد بگیرند و برای تعلیم علوم دنیویه و صنایع مختلفه که هرگز دخلی به امور دینیه نداشته است، خط جدید در مدارس دولتیہ استعمال گردد.» (ر.ک. الفبای جدید و مکتوبات)

اما در عثمانی، گفت‌وگویی و تلاش در باب اصلاح خط همچنان ادامه یافت. منیف پاشا نیز دنباله کار را داشت. در ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م شارل میسمر فرانسوی، مشاور فؤاد پاشا صدراعظم عثمانی، یادداشتی در دفاع از تغییر خط و استفاده از حروف لاتین برای فؤاد پاشا فرستاد. این نامه در ذیقعه / مارس همان سال انتشار یافت. ملکم آن را برای فتحعلی فرستاد، که او را بسیار خوش آمد؛ پسرش را واداشت تا آن را از فرانسوی به روسی ترجمه کند. سپس خلاصه آن را منتشر ساخت. خود نیز آن را به فارسی درآورد و نزد علمای قفقاز فرستاد. آن یادداشت از راه دیگری به ایران نیز رسید و ترجمه شد.<sup>۱</sup>

اما او به همان بار، تغییر خط، مخالفان سرسختی در حکومت ایران پیدا نمود، که از جمله خود را به میرزا حسین خان مستشارالدوله اشاره کرده است.

فتحعلی آخوندزاده در تفسیر به تلاش خود ادامه داد. مدتی بعد، ملکم خان که خود نیز در این زمینه خیالاتی سر می‌زد،<sup>۲</sup> اشت، اتصال حروف را در طرح نخستین فتحعلی موجد اشکال شمرد. فتحعلی هم نظر او را پذیرفت و طرح تازه‌ای با حروف مقطع تهیه کرد.<sup>۳</sup>

اما این طرح تازه نیز در ایران توجه کسانی بسیاری را برانگیخت. و آخوندزاده پس از این آزمایش‌ها و شکست‌های پیاپی، سرانجام از آن ایشهی اصلاح خط عربی منصرف شد و خط جدید ملل اسلامی را تنظیم کرد.

این طرح بر پایه‌ی الفبای روسی نهاده شده و از ۲۴ حرف برصا و ۱۰ حرف صدادار ترکیب یافته بود و ۸ حرف هم برای ادای آواها و مخارج ویژه عربی در آن در نظر گرفته شده بود که با این ۴۲ حرف همه‌ی ملل اسلامی از عرب و عجم و ترک و تاجیک بتوانند بی‌زحمت و اشکال مقاصد خود را بیان کنند.<sup>۴</sup>

۱. رجوع کنید به الفبای جدید و مکتوبات ص ۲۰۸.

۲. مجله‌ی فرهنگ و خط شرق، دفتر دوم، برگ ۵۹، به روسی، باکو ۱۹۲۸.

بدین ترتیب فتحعلی به سومین مرحله کار خود در تبدیل خط رسید، و به کار برد حروف اروپایی معتقد شد و آخرین طرح خود را برای تغییر خط با استفاده از حروف روسی عرضه کرد.

عدت طرح این نوع خط از سوی آخوندزاده، آزمایش عملی دولت روس، پس از تصرف داغستان بود.<sup>۱</sup>

وی در نامه‌ای به ملکم خان می نویسد: دولت روس پس از تسخیر داغستان یعنی از دو سال پیش برای زبانهای مردم «اوار و چچن و چرکس» الفبای جداگانه ای با حروف لاتین روسی کرده اند و در مدارس آن جا، که تازه گشاده اند، خط جدید را تدریس می کنند. پاره ای کتابهای اسلامی را به همان خط برگردانده اند.

در این هنگام طرفداران اصلاح خط در ایران نیز حرارتی یافتند و امیدهایی در دل فتحعلی پدید آوردند، اما در رمضان ۱۲۱۲/ دسامبر ۱۸۷۰م، میرزا حسین خان مشیرالدوله که در این زمان به مخالفت با اصلاح خط توسط آخوندزاده گراییده بود، به وزارت عدلیه رسید و ۱۱ ماه بعد نیز صدراعظم شد. در نتیجه، بیشتر دوستان فتحعلی که از ناخشنودی میرزا حسین خان از وی آواره بودند، روابط خود را با او بریدند و آن حرارت فروکش کرد.

در همین زمان، چون آخوندزاده از خط ابداعی ملکم خان بسیار راضی بود و خط او را بهتر می دانست، فعالیت پیرامون خط را به او واگذار کرد. به او کسی که ذکر شد، آخوندزاده از الفبای خود فارغ شد و بیشتر به نوشته‌های انتقادی دیگر خود پرداخت.<sup>۲</sup>

احتمالاً مستشارالدوله و ملکم میانجی شدند و میرزا حسین خان به خواهش فتحعلی، گذشته‌ها را فراموش کرد و در راه سفری که به همراهی ناصرالدین شاه به

۱. داغستان یکی از جمهوری‌های خودمختار روسیه در خاور قفقاز و ساحل باختری دریای خزر است.

۲. رجوع کنید به الفبای جدید و مکتوبات ص ۲۰۸ به بعد.

اروپا کرد (۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م)، با هم دیدار کردند.<sup>۱</sup> فتحعلی باز هم از ضرورت ایجاد الفبای جدید، سخن گفت، اما میرزا حسین خان اندیشه‌های دیگری در سر داشت و به سخنان فتحعلی توجهی نکرد. ناکامی فتحعلی در کار تغییر خط، او را می‌آزرد و موجب می‌گشت که او بیش از پیش در اهمیت آن اصرار ورزد.<sup>۲</sup>

شاهزاده فرهاد میرزا - که وی را سه سال پیش از مرگش، در شوال ۱۲۹۲ ق، در ایس دیده و با او صحبت داشته - در سفرنامه مکّه خود چنین آورده است:

میرزا فتحعلی آخوندزاده، به روسی آخوندوف پولکینیک، که مترجم پیشکاری کل قفقاز است، الفب با تاء اختراعی خود را آورده است. که سه قسم است. دو قسم آن را پسندیدم، یک قسم حروف متعارف است و باید از چپ به راست نوشت که اختراع از اشکال خط لاتین است. گفتم چون تشبّه به خط فرنگی دارد، خاقانی گفته: «فلک نجره بر اسب از خط ترسا». اهل اسلام قبول نخواهند کرد ولی آن دو قسم را اگر ممکن باشد بهتر است. چنانکه ابن مقبله خط کوفی را به نسخ بدل کرد و تسهیل عمل نمود...<sup>۳</sup>

آخوندزاده تا پایان عمر نیز از تلاش در راه تغییر خط و ترویج آن دست برنداشت، اما عمر او کفاف نداد تا ثمره بیست و پنج سال خود را در مطقه قفقاز و عثمانی ببیند. و در سال ۱۲۵۶ش در تقلیس درگذشت.

ویژگی کار آخوندزاده در این بود که؛ همزمان مسوولان فرانسوی و منیف پاشای عثمانی، برای نخستین بار دانشمندان شرق اسلامی را با خط فارسی، به این امر مهم متوجه ساخت.

۱. رجوع کنید به الفبای جدید و مکویات ص ۳۱۳، نامه آخوندزاده به علی خان، مدیر اموزات خارجه در آذربایجان.
۲. حتی شیفتگان او نیز پذیرفته‌اند که وی در اهمیت اصلاح و تغییر الفباء مبالغه کرده است. مقدمه محمدزاده بر الفبای جدید، به نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل آخوندزاده.
۳. هدایة السبیل، ص ۳۹.
۴. رک. به تاریخچه تغییر خط، کاظم استادی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم ۱۳۹۱.

در همین دوران، گروهی از شرقیان در این راه به کوشش برخاستند و در نارسایی خط کنونی ملل اسلامی مطالبی گفتند و رسالاتی نوشتند و بعضی از آنها خود القابایی نیز اختراع کردند. ولی نه محیط آن روزگار برای پذیرش این گونه نظرات آمادگی داشت و نه آن خطوط پیشنهادی می توانست معایب خط کنونی را رفع کند. افزون بر آن، هیچ یک از آن خطوط با اشکالات آموزشی و صنعت چاپ آن دور فابا، اجرا و رواج نبود.

در سال مرگ آخوندزاده، دیگر بحث تغییر خط رونق گرفت؛ و مقالاتی در روزنامه‌های فارسی (الخر) و ترکی (حریت، ترقی) عثمانی و نیز روزنامه‌های قفقاسیه (ضیاء) منتشر شدند. و اس انتشار، ادامه پیدا نمود.<sup>۱</sup>

اما درباره بی‌اعتقادی او به اسلام و ضدیت او با روحانیت و شکل‌گیری عقاید منفی او، در دائرة المعارف جهان اسلام آمده است:<sup>۲</sup>

فتحعلی در مدرسه شاه عباس گنجه تحت‌تأثیر میرزا شفیع قرار گرفت و پس از آشنایی سطحی با فلسفه و عرفان، از اندیشه‌های اسلامی دور شد و آموزش فقه و اصول را رها کرد. اقامت در تفلیس و خدمت در دستگاه حکومتی روسیه و همنشینی با دوستان و آشنایانی که در این شهر یافت، ذهن او را بیشتر دیگری افکند و خط فکری او را برای تمام عمر معین ساخت.

در این دوران، شهر تفلیس مقر فرمانروای سراسر قفقاز، که از نظر اهمیت دومین شهر امپراتوری بود، به یکی از مراکز نشر اندیشه غربی تبدیل شده بود. مدارس جدید و کتابخانه‌های عمومی در آن گشوده شده و تأثیر رواج یافته بود. گروه بزرگی از نویسندگان و شاعران روسی و ارمنی و گرجی و جمعی از روشنفکران دکابریست، به صورت تبعیدیان اختیاری یا اجباری، در این شهر گرد آمده بودند. فشار استبداد خشن تزاری بر روح این آوارگان کتابخوان، بر شیفتگی

۱. گامشمار خط فارسی، کاظم استادی.

۲. محمدعلی مولوی، با مقداری تلخیص.

ایشان نسبت به اندیشه لیبرالیستی اروپای غربی افزوده بود. رفتار زشت کشیشان هم که به گردش چرخ استبداد کمک می‌کردند، موجب گشته بود که آن آزادیخواهان دور از دیار، نه تنها از این سو گریز گاهی نیابند، بلکه کلیسا و متولیان آن را آماج ناخشنودی و خشم خویش سازند. عوامل مشابهی، برخی مسلمانزادگان را نیز آزرده ساخته بود. این پدیده که در سراسر قفقاز دیده می‌شد، در تفلیس شدت بیشتری داشت. در چنین فضایی، ۲ تن بر روی فتحعلی اثر ژرف نهادند:

بکی عباسقلی بیک یاد شده (بکی خان) نویسنده ترک مسلمانزاده غرب زده و دپتری خاچاطور آبوویان، نویسنده ارمنی دشمن کلیسا. بکی خان همان مترجم رسمی دولت روس بود که در تکمیل زبان روسی به فتحعلی یاری می‌رساند؛ شیفته افکار غربی و مرتجع فعلی آن بود؛ با فلسفه اروپایی و دانشهای نوین اروپا آشنایی یافته بود و نخستین کسی بود که آثار ادبی روسی را به ترکی ترجمه کرده بود و با بسیاری از نویسندگان اروپایی روس، مانند گریبایدوف و پوشکین و نیز با تبعیدیان انقلابی مقیم گرجستان، آشنا گشت. او فتحعلی را با آن ادیبان و آزادیخواهان آشنا ساخت و پای او را به محافل علمی و ادبی تفلیس گشود.

ابوویان از ادیبان آزادیخواه نوآور ارمنستان بود. گویا از کردار برخی کشیشان بی‌انصاف بسیار آزرده بود و با ایشان سخن در می‌آیخت. سرانجام نیز اصحاب کلیسا او را در ۳۶ سالگی سر به نیست کردند (۱۲۶۱ ق/ ۱۸۴۶ م). در ۱۲۵۵ ق/ ۱۸۳۹ م میرزا شفیع گنجوی معلم پیشین فتحعلی نیز به تفلیس رفت. فتحعلی کار تدریس زبان ترکی را در مدرسه دولتی این شهر که خود بر عهده داشت به او سپرد. در این زمان همکاران مدرسه دولتی یعنی فتحعلی، ابوویان و میرزا شفیع، به کمک بکی خان و چند شاعر و ادیب گرجی، انجمنی ساختند که در خانه میرزا شفیع تشکیل می‌شد.

در این انجمن که نام «دیوان عقل» بر آن نهادند، درباره شعر و ادب کهن ایران سخن می‌گفتند، در مسائل سیاسی و اجتماعی بحث می‌کردند و به ویژه اهل دیانت

می‌ناختند. فتحعلی چند سالی در چنین فضایی زیست و از دین به کلی دست کشید، بلکه در دشمنی با آن استوار شد.

در میان آشنایان او از ۲ تن دیگر نیز باید نام بریم: یکی میرزا اسماعیل بیگ معروف به کوتکاشنسکی و دیگری حسن خان معروف به اوتسمیف. این هر دو از افسران درس خوانده ارتش تزاری بودند که فتحعلی، گاه راز دل خود را با ایشان در میان می‌پاد.

طوبین سالها فتحعلی آثار چرنیشفسکی، استروسکی، مارلینسکی، لرماتوف، گریبایدوف، گنول، هکین، گرتسن، بلینسکی و دابر الیووف را خواند؛ با آثار مولیر، اوژن سوسنیز، واری، مونتسکیو، روسو، میرابو، رنان، باکل، هیوم و میل از راه ترجمه روسی آنها آشنا شد و با نظریات اقتصادی سیسموندی نیز آشنایی یافت. از میان ایرانیانی که در وی تاثیر داشتند، ملکم‌خان، جلال‌الدین میرزای قاجار و میرزا یوسف مستشارالدوله را باید نام برد.

آشنایی فتحعلی با آرای ملکم از راه مکاتبه با وی، به قدری فتحعلی را شاد ساخته بود، که لقب روح‌القدس بر او نهاد. فتحعلی نیز رأی خیلی پیش از ملکم خان، یعنی در ۱۲۶۲ق/۱۸۴۶م به فکر تشکیل انجمنهای آموزشی افتاد و این فکر را با میرزا اسماعیل کوتکاشنسکی و حسن خان اوتسمی یف در میان گذاشت. اما به اجرا در نیامد. گویا حسن خان، فتحعلی را از چنان کاری بیمناک ساخت.

آنگاه، وی به نگارش نمایشنامه‌های انتقادی روی آورد. او چنان که در این کار را نیز رها کرد و به تلاش در راه اصلاح و تبدیل خط پرداخت. فتحعلی تا پایان عمر، این کار را یگانه راه پیشرفت می‌پنداشت.

فتحعلی تحت تأثیر محیط زندگانی و معاشران خود، نسبت به روحانیت بدبین و از دین‌گریزان شد. زمانی که به آرزوی اصلاح و تغییر خط افتاد و به مخالفت روحانیون با این اندیشه برخورد و کوششهایش در راه اقتناع ایشان نافرجام ماند<sup>۱</sup>

دشمنی‌اش یا دین شدیدتر شد. وقتی ملکم برای او نوشت که بزرگان عثمانی، تغییر خط را موجب انهدام دین می‌شمرند، وی به یوسف خان مستشارالدوله نوشت: «پس بعد از این هیچ کس نگوید که دین مانع علم و معرفت نیست.<sup>۱</sup> آخوندزاده در بیشتر نوشته‌هایش کوشیده است جانب احتیاط را رها نکند و کفر خویش را بر همگان آشکار نسازد، بلکه گاه نیز سخنانی حاکی از پای بندی خود به دین گفته است.

سرتیپ علی‌خان، کنسول ایران در تفلیس نوشته است:

«شما مانند که من در اسلامیت چقدر راسخ القلم. سوره کهیصص را که در حضور من جی ابراهیم‌خان برای شما تفسیر کردم، شنیدید و در این اعتقاد، اولاد و اخلاف من نیز بر من، واهند بود.»<sup>۲</sup>

اما از لابلای سخنانی از چنین گونه نوشته‌ها نیز می‌توان بی‌اعتقادی او را دریافت. در عین حال در آنچه برای جمع کوچک‌تری از دوستان نزدیکش نوشته و نیز در جاهایی که عقاید خود را از زبان شخص دیگری بیان کرده (مکتوبات کمال‌الدوله) به صراحت منکر وجودباری و بعثت انبیا و حقیقت دین گشته است.

در این تصنیف، فتحعلی سخنان انانادی خود را از زبان یک شاهزاده خیالی به نام کمال‌الدوله که گویا پسر اورنگ زیب، پسر شاه زندگستان بوده، آورده و کار خود را چنین توجیه کرده است که برای پاسخ گفتن به «خیالات فاسده... پسر ناخلف

۱. الفبای جدید و مکتوبات، ص ۲۳۹.

۲. الفبای جدید و مکتوبات، ۲۹۷. کامل مطلب که در دائرة المعارف جهان اسلام، ص ۱۰۰، اینگونه است: او در نامه ای به علی‌خان، کنسول ایران در تفلیس، می‌نویسد: ... شخص معلوم که می‌دانید بناحق، محض خیانت باطن و اغراض نفسانیه خود، مرا دشمن دین و دولت می‌شمارد. من دشمن دین و دولت نیستم. من جان نثار و دوستدار ملت و دولت، می‌باشم. احتمال که از این نوع وطن پرستی من خصومت دینی مستفاد گردد. اما نه بدان درجه که معاندان می‌پندارند. شما می‌دانید که من در اسلامیت چه قدر راسخ القلم و هرگز دینی را در دنیا بر دین اسلام ترجیح نمی‌دهم. سوره کهیصص را که در حضور حاجی ابوالفضل برای شما تفسیر کردم، از من شنیدید و در این اعتقاد، اولاد و اخلاف من نیز پیرو من خواهند بود. منظور، رفع اسلامیت نیست، معاذ الله از این نیت نکوهدید، بلکه منظور در اسلامیت، رفع جهالت است و ارتفاع ترقی در علوم و فنون و سایر جهات. (الفبای جدید و مکتوبات، ص ۱۷۸).



اورنگ زیب» باید ابتدا از آنها آگاهی یافت.<sup>۱</sup> زمانی هم به ملکم که قول داده بود مکتوبات کمال‌الدوله را چاپ کند، نوشت: «در وقت چاپ کردن کمال‌الدوله، مبدا اسم مرا ذکر نموده باشید».<sup>۲</sup> تصور فتحعلی آن بود که با انتشار این تصنیف، عقاید دینی مردم جوامع اسلامی زیر و زیر خواهد شد.

او برای ملکم نوشت: «نسخه‌جات متعدّد کمال‌الدوله در دست دوستان و همرازان من در اطراف عالم موجود است. عن قریب دوستانم نسخه را در طرفی به چاپ خواهند رساند و در کلّ آسیا و افریقه منتشر خواهند کرد. آن وقت ببینیم که وزرای استنبول چگونه این خودشان را نگاه خواهند داشت. آن وقت دین ایشان از دست خواهد رفت».

آشنایی آخوندزاده با فلسفه و علوم اسلامی سطحی بود. او استدلال معتقدان به صانع را، با این دعوی که تقدیم وجود به ممکن و واجب اعتباری ندارد، مردود شمرده و تصریح کرده است که «مراد ما از وجود، ماهیت اشیاء است» و «ماهیت اشیاء واجب‌الوجود است». آنگاه مدعی شده است که متشرعان در برابر این استدلال «مات و مبهوت می‌شوند».<sup>۳</sup>

حاصل سخن فتحعلی در این زمینه، تکرار سخنان اصحاب تحقق، از قدیم و جدید است که متعلق علم را به وجود محسوس، منحصر و محدود می‌شمارند. دعوی نادرست دیگر فتحعلی این است که همه حکما را مکرر صانع اعلام می‌کند. وی به اقتضای سخن، پس از انکار صانع، به هتک حرمت مقام رسالت و فقه اسلامی و بزرگان فقها می‌پردازد.<sup>۴</sup> همچنین در پاسخ بر رساله یک کلمه نویسنده‌اش، یوسف‌خان مستشارالدوله، در آن کوشیده بود ثابت کند «آیین اسلام... با ترقی و

۱. آدمیت، ۱۹۰.

۲. الفیای جدید و مکتوبات، ۱۶۸.

۳. الفیای جدید و مکتوبات، ۲۳۲، ۲۳۵.

۴. مقالات، ۱۲۳، ۱۲۴.

۵. مقالات، ۱۲۳، ۱۲۴.

سیویلیراسیون» مخالفت ندارد، یک سلسله اشکالات سطحی بر شریعت وارد ساخته است، ولی شاید خود نیز می‌دانسته است که سخنانش در این باره سنجیده و استوار نیست، زیرا خود در پایان این پاسخ گوید: «هذیان گفتم، توبه می‌کنم».<sup>۱</sup>

آخوندزاده از نخستین نمایندگان ناسیونالیسم ایرانی است. او به تقلید از اروپاییان، کوشید ملی‌گرایی را جانشین دین سازد. وی از نگارش مکتوبات کمال‌الدوله، به موازات محو دین یا تضعیف آن، تقویت علاقه ملت به ایران بیش از سایر املاک در نتیجه ایجاد احساسات ملی را نیز در نظر داشت.

فتحی خن می‌کرد که اعتقادات دینی در دلهای مردم، نیروی روزگاران گذشته را ندارد. کسی تواند آنان را به شوق شهادت به نبرد با دشمنان قوی دست بکشاند. پس باید تمام ملت «وستی و وطن پرستی» را در دلهای ایشان کاشت.<sup>۲</sup> «بلند همتی و علوطلبی تقاضا می‌کند که تعصب ما در حق همجنسان (هم‌نژادان) و همزبانان و هموطنان باشد. «حق بیگانه‌گان و راهزنان و خونخواران».<sup>۳</sup> پس به جای «تعصب دینی»، «تعصب وطن» را باید نشانند.<sup>۴</sup>

۱. مقالات، ۹۹-۱۰۰.

۲. آدمیت، ۱۱۵.

۳. مقالات، ۱۲۶.

۴. آدمیت، ۱۱۸.